

## دلیل درد دل امام علی(ع) با چاه

۱۷ تیر ۱۳۹۴ ساعت ۱۷:۴۰

دکتر دینانی، چهره ماندگار فلسفه گفت: بسیار غم انگیز و دردناک است که حضرت علی(ع) درد دلش را با چاه می گفت. درد دل با چاه، کنایه و اشاره و دلیل است بر اینکه حضرت گرفتار جهل مردم زمانه اش بود

برای درک عظمت شأن و منزلت مولی المتقین، امیرالمومنین علی ابن ابیطالب(ع) همین بس که فرمود: «لو كشف الغطاء ما زددت یقیناً»، اگر پرده ها کنار رود بر یقین من افزوده نمی شود. گویا زمین و زمانه تاب تحمل چنین عظمتی را در خود نداشت تا جایی که خوانده ایم و شنیده ایم که حضرت درد دلش را با چاه می گفت و سرانجام نیز به دست شخصی به شهادت رسید که مظهر جهل و تحجر و شقاوت بود.

به مناسبت سالروز شهادت امام علی(ع) با دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی، چهره ماندگار فلسفه گفتگویی انجام داده ایم که در پی می آید؛

ابراهیمی دینانی، در گفتگو با خبرنگار مهر، در معنا و تفسیر بیت «ای علی که جمله عقل و دیده ای / شمه ای واگو از آنچه دیده ای» از مولوی در مدح امیرالمؤمنین(ع) گفت: جمله عقل و دیده ای یعنی همه عقل و دیده ای، دیده یعنی بصیرت. دیده یعنی عقل و بصیرت و شهود. سرش در این است که وقتی عقل، عقل الهی و کامل شد به این ویژگیها دست پیدا می کند. خصلت عقل، معرفت و درک است و خصلت درک عظمت حق تبارک و تعالی، تواضع است و خصلت تواضع، اطاعت و عبادت است و خصلت اطاعت و عبادت، شب بیداری است.

وی افزود: اینکه شهریار هم می گوید: فجر تا سینه آفاق شکافت / چشم بیدار علی خفته نیافت، هم به این معناست. شب، چشم مولای(ع) را خفته نیافت. از بیداری شب حضرت مولای(ع) و مناجاتهای شبانه اش و درد و دل با چاه در دل شب بسیار روایت شده است. این روایتها بسیار غم انگیز و دردناک است که حضرت درد دلش را با چاه می گفت، چرا حضرت، با چاه درد و دل می کرد؟! این جمله بسیار معنی دارد. مگر چاه مخاطب بود که علی(ع) با او صحبت می کرد؟ درد دل با چاه، کنایه و اشاره و دلیل است بر اینکه حضرت گرفتار جهل مردم زمانه اش بود.

دینانی در ادامه سخنانش اظهار داشت: حضرت علی(ع) عقل کامل و جمله عقل و دیده، یعنی جمله عقل و بصیرت بود. مظهر عقل

و بصیرت، کمال عقل و بصیرت با چه کسانی روبرو بود؟ با جهال و نادان هایی که یکی از نمونه های بارز جهالت و قساوت و تحجر، ابن ملجم بود. او کسی بود که به هیچ صراطی مستقیم نبود و با هیچ برهانی قانع نمی شد و به هیچ سخنی گوش فرا نمی داد. اسیر تعصب و جهالت خودش بود و این تنها یک نفر از آن جمعیت فراوان بود. وقتی که حضرت درد و دلش را با چاه می گوید اشاره به این نکته است که کسی را ندارد که به حرفم گوش دهد یعنی مخاطب ندارد.

این استاد فلسفه اسلامی با بیان اینکه جهال و نادانان، به حرف درست گوش نمی دهند، مخصوصاً نادانی که دارای جهل مرکب باشند، گفت: امام علی(ع) با جاهلان مرکب روبرو بود. جهل بسیط هیچ عیب نیست، چون می داند که نمی داند و به معلم گوش می دهد و یاد می گیرد. جهلی که خطرناک است و حضرت به دست این گروه از نادانان و جاهلان شهید شد، جهل مرکب است. کسی که دارای جهل مرکب است غرور دارد و خود را دانا می داند در صورتی که نادان است.

دینانی ادامه داد: گوش این افراد به قول معروف بدهکار نبود و اصلاً سخن مولا را نمی شنیدند فلذا حضرت با چاه درد و دل می کرد و تا قیامت درد و دل مولا(ع) باقی است. آنهایی که دردمندی و گوش حقیقت شنو دارند این صدا را می شنوند. فریاد مولا امیرالمؤمنین(ع) طنین افکن در تمام امکنه و در تمام ازمنه است. تا قیامت صدای امیرالمؤمنین(ع) در تاریخ طنین افکن است. علی(ع) شهید راه عدالت است و راه حضرت مولا(ع)، راه عدالت و راه انسانها و محبت به انسانها بود. متأسفانه زمانه این طاقت را نداشت، یعنی مردم آن زمان این طاقت را نداشتند و مولای ما به دست شقی ترین افراد شهید شد. حضرت تجسم عقلانیت و به تعبیر دیگر مولا(ع) مرکز دایره بود.

دینانی با تأکید بر اینکه امام علی(ع) شهیدی است که به دست مظهر جهالت و جمود و ارتجاع و تحجر یعنی ابن ملجم به شهادت رسید، بیان کرد: ابن ملجم، مظهر تحجر و نادانی و قساوت است و ذره ای انعطاف فکری در او نبود. مظهر کمال، عطوفت، انسانیت، مظهر جمال و جلال حق به دست کسی که مظهر شقاوت و قساوت و جهالت و نادانی و بلاهت است به شهادت می رسد. این درس بزرگی برای تاریخ است. مولا علی(ع) ولی خدا و مظهر علم و معرفت است. رأفت و محبت و انسانیت و علم و عرفان و آگاهی به دست شقاوت و جهل و نادانی و تحجر و ارتجاع به شهادت می رسد. این امر فراز عجیبی در تاریخ بشر است.

این استاد فلسفه و عرفان اسلامی اظهارداشت: در عالم ماده هر دایره ای یک مرکز و یک محیط دارد. طبیعتاً دایره هندسی یک مرکز و یک محیط دارد البته محیط بر مرکز احاطه دارد اما در عالم معرفت قضیه برعکس است. در دایره معرفت، مرکز بر محیط احاطه دارد. یک عالم علم و یک عالم معلوم داریم. عالم و معلوم به یک معنا با هم متحد هستند. عالم از معلوم جدا نیست و معلوم از عالم جدا نیست ولی دایره معنوی در عالم معرفت، علم است و دایره هندسی، معلوم است. اگر شما به معلوم صرف نظر از علم نگاه کنید. محیط دایره به مرکزش، محیط است اگر علم را ببیند مرکز محیط به دایره است. آیا علم به معلوم احاطه دارد یا معلوم به علم احاطه دارد؟ علم است که محیط به معلوم است یا معلوم محیط به علم است؟ علم است. این همان دایره معنوی است. مرکز، علم است. حضرت امیر(ع) مرکز علم است.

استاد بازنشسته فلسفه دانشگاه تهران بیان کرد: حضرت امیر(ع) مظهر کامل معرفت الهی و سرمشق بشریت است که تعالیم و رفتار و کردار و سخنان او به عبادت و ناله های شبانه، انس او با خداوند، با رفتار او با مردم و عدالت او چنان است که در یکی از داوریهها قاضی به ایشان گفت: یا ابالحسن! حضرت خشمناک شد. قاضی پرسید چرا شما خشمناک شدید یا امیرالمؤمنین(ع) گفت: چرا مرا به کنیه صدا زدی و او را به اسم عادی. من الان جزو طرف دعوا هستم. باید هر دوی ما را به یک چشم نگاه کنید. این کار شما عدالت نبود. این رفتار و گفتار حضرت سرمشق بشریت تا ابد است.

عدل بدون معرفت افسانه ای بیش نیست. اگر کسی ادعای عدالت کند و معرفت نداشته باشد افسانه ای بیش نیست و بلکه ابله است؛ مگر می توان بدون معرفت از عدالت دم زد و حتی عدالت را شناخت؟ کسی که معرفت ندارد اصلا عدالت را نمی شناسد. همه چیز در پرتو معرفت است. عمل حضرت امیر(ع) در این دادگاه باید سرمشق قضات شرق و غرب باید باشد. چقدر سخت است که انسان در مقام داوری بی طرف بماند و خودش را از حب و بغضها و مواضع سیاسی و حزبی و منفعتی، پولی و مالی رها کند و در واقع بی طرف قضاوت کند.

این استاد دانشگاه با بیان اینکه برخورد اجتماعی درست در اثر معرفت حاصل می شود وقتی انسان معرفت و آگاهی نداشته باشد رابطه اجتماعی اش هم خوب نیست، تصریح کرد: عدالتی که چنین فردی از آن دم می زند و می گوید عدالت نیست، تنها لفظ و صوتی بیش نیست. فهم عدالت در اثر عقل و معرفت است. با معرفت الهی انسان کامل عدالت هم معنایش روشن خواهد بود و به عدالت عمل می کند و مولای ما مظهر چنین عدالتی بود.

منبع: مهر

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/۳۰۹۰۷/چاه-و-علی-لامام-د-درد-دلید>